

# مردان ترسناک در سرزمین رنگ‌ها

مشاهدات خبرنگار زندگی‌سلام از سبک‌ زندگی مردم مراکش در سفری ۱۵ روزه به این کشور که مقصد خوبی برای وسواسی‌ها نیست

دکتر مریم ذاکری | جهانگرد

**پرونده**

«سرزمین رنگ‌ها» لقبی است که کشور مراکش در میان گردشگران دنیا به آن شناخته می‌شود. کشوری که هر چند در قاره آفریقا است اما آب‌وهوای معتدلی دارد و همین ویژگی‌ها باعث شد تا اواخر سال ۹۵ به همراه جمعی از دوستان تصمیم گرفتیم برای گذراندن تعطیلات نوروز به مراکش سفر کنیم. آن زمان ویزی این کشور را از طریق سفارتش در تهران، تنها با پر کردن فرم‌ها و تحویل مدارک و مبلغ ناچیز هفتاد هزار تومان دریافت کردیم و راهی سرزمین نعناع‌ها شدیم. برای پرواز به مراکش یک‌بار دیگر کتاب جغرافیای دوران مدرن سراپا عبور از فراز کانال سوئز، دریای سرخ، دریای مدیترانه و تنگه جبل الطارق مرور کردیم. به نظر می‌رسید تجربه‌ای شگفت‌انگیز با دیدار از شهرهای مراکش، طنجه، شفشاون، تی‌توان، فاس و کازابلانکا در انتظارمان باشد. آن‌چه در ادامه می‌خوانید بخشی از مشاهداتم در این سفر ۱۵ روزه از سبک‌ زندگی مردم این کشور است که نکات جالب و کمتر شنیده شده زیادی داشت.

## این کشور در دنیا با نام‌های مختلفی شناخته می‌شود

کمتر کسی در جهان کشور مراکش را به این نام یعنی «مراکش» می‌شناسد. خود مراکشی‌ها، کشورشان را مغرب می‌خوانند و غربی‌ها آن را امورو کوپاماروک که شکل تغییر یافته همان مغرب است، می‌نامند. ترکیه تنها کشوری است که مراکش را با نام «فاس» می‌شناسد. مراکش در واقع نه نام کشور بلکه نام یکی از شهرهای بزرگ آن است. کشوری که با جغرافیایی متنوع و بی نظیر از شمال با دریای مدیترانه و تنگه جبل الطارق و از غرب با اقیانوس اطلس محصور می‌شود با بیش از ۷۰۰ هزار کیلومتر مربع وسعت و جمعیتی حدود ۳۶ میلیون نفر که قریب به ۹۹ درصد آن‌ها را مسلمانان تشکیل می‌دهند. شهرهای مراکش دارای دو بخش مدرن و سنتی هستند. بافت قدیمی شهرها را که عموماً دور تادورشان دیوار کشی شده و برای ورود به آن‌ها باید از دروازه‌شان عبور کرد، در اصطلاح «مدینه» می‌نامند. سبک زندگی مردم این کشور به شدت تابع جغرافیاست. در حالی که در شهرهای شمالی تر همچون طنجه که تنها چند کیلومتر با مرزهای اسپانیا فاصله دارد شاهد مراتع سرسبز، دشت‌های حاصلخیز و یک سبک زندگی نسبتاً غربی هستیم، در مناطق جنوبی و با عبور از صحرای داغ و بیابان‌های لم‌بیزرغ می‌توانیم همسفر اعراب بادیه‌نشین شویم.

## میدانی که شمارا به عمق تاریخ می‌برد



مراکش شهری قرار گرفته در بخش جنوب غربی این کشور است و شبیه‌ترین نقطه آن به فرهنگ بومیان آفریقا. «جامع الفنا» میدانی در وسط این شهر است و معمولاً اولین جایی است که گردشگرها را می‌برند. میدانی که قبل از این مردم برای گرفتن اخبار دور هم جمع می‌شدند، خلافاکارها را فلک می‌کردند، متکدیان دست‌شان دراز بوده و پول دارها به صاحبان بوزینه‌ها پول می‌داده‌اند تا برایشان شیرین کاری کنند. رمال‌ها برای مردم فال می‌گرفته‌اند و معرکه‌گیرها زنجیر می‌دریده‌اند. مطرب‌هانی و طبل می‌زده و رقص‌ها می‌رقصیده‌اند. زن‌های حناچی دست، پا و صورت دخترکان را حنای بسته، مارگیرها دهان به دهان مارهای می‌گذاشته و قماربازها هم تاس‌ها و سنگ‌ها را وسط می‌انداخته‌اند. آدم‌هایی هم بوده‌اند که بساط خورندنی‌ها و نوشیدنی‌ها را به پا می‌کرده یا روغن، ادویه و هرچه خریدنی و پوشیدنی است، می‌فروخته‌اند. میدان جامع الفنا قلب تپنده این شهر از اعماق تاریخ است، پلی که گذشته مراکش را به امروزش وصل می‌کند. جامع الفنا بعد از هزار سال همان است که بوده فقط دیگر کسی را وسط این میدان فلک نمی‌کنند. جامع الفنا حالا میراثی برای جهان است، افرادی که عاشق تاریخ هستند و دانستن درباره گذشتگان.

## «تجینه» شبیه به دیزی ایرانی و غذای محبوب مراکشی‌ها

مراکش از معدود کشورهایی است که شما به عنوان یک ایرانی می‌توانید به آن سفر کنید و از خوردن غذاهایش لذت ببرید چون بیشتر ستوران هایش، غذای حلال دارند. معروف‌ترین غذای مراکشی که در همه ستوران‌های این کشور سرو می‌شود، «تجینه» است. چیزی شبیه دیزی خودمان که به جای ظرف سنگی در ظرف‌های سفالی در دار پخته و سرو می‌شود. تجینه را با گوشت مرغ، گوسفند یا گوساله می‌پزند، اما گاهی با برداشتن در ظرف، بوی دنبه چنان در فضا می‌پیچد که شمارا از خوردن گوشت آن منصرف می‌کند و ترجیح می‌دهید تنها سبزی‌مینی، هویج و دیگر سبزیجات آن را میل کنید. «کوسکوس» غذای مراکشی معروف دیگری است که برای خراسانی‌ها یادآور بلغور گندم و بریای ساکنان جنوب ایران هم‌شکل و طعم «لک» است. کوسکوس همه‌روژه در رستوران‌ها و غذای خوری‌ها سرو می‌شود، اما مردم این کشور آن را تنها در روزهای جمعه و پس از اقامه نماز جمعه میل می‌کنند.

## جولان فروشندگان مواد مخدر در مراکش

کشت مواد مخدر یا استعمال آن در بیشتر نقاط جهان جرم محسوب می‌شود اما مراکش از این قاعده مستثناست. در حالی که روی کاغذ، فراوری و فروش محصول ماری‌جوانا، حشیش، گل و... در این کشور غیرقانونی است اما کاشت و استعمال شخصی آن آزاد است. از سوی دیگر با توجه به سودآور بودن این محصول برای اقتصاد این کشور، کمپین‌هایی در کارند تا حشیش، گل و ماری‌جوانا را از فهرست مواد افیونی خارج و به آن برچسب گیاه دارویی بزنند! شهر شفشاون که یکی از زیباترین مناطق این کشور به حساب می‌آید، محلی برای فروش ماری‌جوانا به ویژه به توریست‌هاست. از همین روزمانی که یک گوشه ایستاده‌اید و منتظر چیزی هستید، یا در کافه‌ای چای نعناع می‌نوشید یا حتی از کوچه‌ای خلوت عبور می‌کنید، فروشندگان مواد مخدر جولان می‌دهند. اتفاقی که به مذاق بعضی توریست‌ها خوش نمی‌آید که عزمی هم برای حذفش وجود ندارد.

سعید توی شهر طنجه را ندیده‌ام بود. یعنی وقتی به مسئول ریاد (مسافرخانه‌هایی با معماری سنتی) گفتیم که یک راننده بایک خودروی بزرگ می‌خواهیم که هم انگلیسی بداند و هم هر شش نفرمان توی خودرویش جایشوم، سعید را به ما معرفی کرد. یک مرد تقریباً ۴۵ ساله که آن قدر توی عمرش توریست دیده بود که حدس بزند آدم‌هایی که با کوله‌پشتی مسافرت می‌کنند و دنبال ریادهای نسبتاً ارزان می‌گردند، ترجیح می‌دهند کجاها را ببینند، چه غذایی بخورند یا چه چیزهایی را سوغات ببرند. سعید هفت زبان می‌دانست! عربی که زبان مادری‌اش بود و فرانسه هم که زبان دوم همه کشورهای شمال آفریقا است. اسپانیایی دانستن هم با توجه به فاصله چند کیلومتری مرز اسپانیا با شهر طنجه چندان چیز عجیبی نیست. انگلیسی حرف زدنش را هم می‌شد به حساب معاشرت با توریست‌ها

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

یک شنبه • ۱۳ مهر ۱۳۹۹  
۱۶ صفر ۱۴۴۲ • ۱۴ اکتبر ۲۰۲۰  
شماره ۲۰۴۹۱

۱۷۱۱

## هیبت ترسناک مردان مراکشی

در بخش‌های قدیمی این کشور به ویژه در خود شهر مراکش مردان پوششی به تن دارند که به آن‌ها هیبتی ترسناک می‌دهد. پوششی به نام «برنوس»، که اگر بخواهم آن را مشخصاً توصیف کنم باید بگویم چیزی شبیه پوشش پدرتاک در کارتون به یادماندنی را بین‌هود، یک لباس بلند کلاه‌دار از جنس پشم، عموماً به رنگ‌های تیره که مردان به جای کاپشن یا پالتو به تن می‌کنند و کلاه بزرگ آن‌را که بر سر می‌گذارند سایه‌اش کل صورتشان را سایه می‌کند. حال تصور کنید چند مرد برنوس پوش، با آن صورت‌های تاریک و نامعلوم، سوار بر اسب یا پیاده از کوچه‌های تنگ نیمه تاریک شهر از مقابلتان عبور کنند! «جلابه» هم لباسی مخصوص مراکشی‌هاست که هم مردان به تن می‌کنند و هم زنان. یک مانتوی بلند بدون دکمه که اغلب زن‌های محجبه یا مردان مسن آن را می‌پوشند. جلا به‌های مردانه عموماً راهر است و بدون شلوار پوشیده می‌شود.

## مقصدی نه چندان مناسب برای وسواسی‌ها

در سفر به مراکش انتظار یک کشور خیلی تمیز را نداشته باشید، این اولین توصیه‌ای است که من به عنوان کسی که مراکش را دیده به دیگران می‌کنم. در بخش‌هایی از شهر مراکش فاضلاب خانه‌ها در خیابان روان است و بوی مشتمش‌کننده‌ای مشام‌رآز را می‌دهد. سرویس‌های بهداشتی بر خلاف دیگر کشورهای مسلمان فاقد آب است و حتی گاه در روشویی‌های عمومی صابون پیدانی‌شود. گوشت‌ها در بازار بدون یخچال از چنگک‌ها آویزند و مگس‌ها در اطرافشان حسابی دلی از عزا درمی‌آورند. گاه برای خریدن آب‌میوه به ویژه آب‌نیشکر که یک نوشیدنی شیرین و مخصوص این کشور است، لیوان یک‌بار مصرف یا حتی لیوان تمیزی وجود ندارد. تا این جای کار را شاید بتوان به راحتی تحمل کرد اما اوضاع وقتی خراب می‌شود که یک مراکشی شمارا به خوردن چای در مغازه‌اش دعوت کند. مغازه‌دارها که مطلع می‌شوند شما خارجی هستید، ازتان دعوت می‌کنند تا در کنارشان چای بنوشید، به این امید که تا چایتان سرد می‌شود نگاهی به اجناس مغازه‌شان بیندازید و از آن‌ها خرید کنید، اما این دعوت تنها به طعم لذت‌بخش چای نعناع محدود نمی‌شود؛ مغازه‌دار محترم چای نیم‌خورده مشتری قبلی را در سطلی می‌ریزد و با دست نعناع‌های باقی‌مانده در استکان را خالی می‌کنند و در همان استکان آغشته به دهان نفرات قبلی برای شما چای می‌ریزد. حالا هرچه برای‌شان توضیح دهید که چای نمی‌خورید و قبلاً صرف شده دست بر نمی‌دارند و شمارا می‌دارند تا نمک گیر شوید!

## تفاوت‌های جالب کارابلانکا با دیگر شهرهای مراکش

وقتی از شهرهای دیگر مراکش به کازابلانکا سفر می‌کنید، شبیه این است که از یک شهرستان کوچک وارد تهران شده باشید و دیگر از آن محیط‌های دوستانه و صمیمی در شهرستان‌های کوچک خبری نیست. این حسی است که در من به وجود آمد چرا که در کازابلانکا خیابان‌ها عریض و پر از ترافیک است. خانه‌ها و نماهای‌شان معمولاً اعیانی‌تر و هتل‌ها لوکس‌ترند. «مسجد حسن ثانی» بر جسته‌ترین نقطه دیدنی این شهر است، مسجدی عظیم که نیمی از آن روی آب‌های اقیانوس اطلس و نیمی دیگر روی خشکی قرار گرفته است. در ضمن، پوشش مردم این شهر کاملاً غربی است اما چیزی که توجه ما را در شهر کازابلانکا به خود جلب کرد حضور زنان در خیابان‌ها بود. در چایخانه‌ها و بازارها و بافت سنتی شهرها کمتر زنی دیده می‌شود اما در کازابلانکا زن‌ها ازادانه در رفت و آمدند و به همراه دوستان‌شان در کافه‌ها و رستوران‌های نشینند، قهوه می‌خورند یا حتی سیگار می‌کشند. هندزفری موبایل‌ها را در گوش می‌گذارند، سوار موتور می‌شوند یا سینما می‌روند.



## خاص مثل چای نعناع مراکشی

چای نعناع یکی از بهترین یادگارهای کشور مراکش است. طعم و مزه این چای و نحوه سرو کردنش در کافه‌ها، مغازه‌ها و رستوران‌ها هم از به یادماندنی‌ترین خاطرات این سفر. بگذارید خیالتان را راحت کنم، هیچ‌کدام از چای‌هایی که در هتل‌های لوکس تحت عنوان چای مراکشی با قیمت‌های بالا به‌خورد مشتریان می‌دهند، به جز نعناع هیچ شباهتی به چای مراکشی واقعی ندارد. چای مراکشی مخلوطی است از دمنوش چای سبز به همراه نعناع. به این صورت که ابتدا برگ‌های نعناع را در ته استکان‌های کمریار یک می‌گذارند و چای را که در قوری‌های مخصوص فلزی دم کرده‌اند رویش می‌ریزند. بسته به تمایل فرد برای شیرین شدن آن می‌شود از قند، نبات یا عسل استفاده کرد.

## راننده مراکشی که در دانشگاه آکسفورد، مدیریت خوانده بود

گذاشت، اما این طور که خودش می‌گفت ایتالیایی، آلمانی و برتغالی هم می‌دانست. همین‌طوری در مسیر زندگی گذارش این طرف و آن طرف افتاده و زبان‌ها را یکی بعد از دیگری آموخته بود. خودش می‌گفت در دانشگاه آکسفورد مدیریت می‌خوانده که دیده پدر و مادر پیرش در وطن تنها مانده‌اند، او هم عطای پیشرفت را به لقایش بخشیده و به وطن برگشته و راننده تاکسی شده است. در تمام طول مسیر از همصاحبتی با سعید لذت بردیم و هنگام بازگشت یک بسته مسقطی را به رسم یادگاری به او هدیه دادیم. فردایش آمده بودم در ریاد محل اقامت‌مان که این دیگر چه زبانی است که حرفش عربی است و معنایش چیز دیگری است. انگار در تمام عمرش غیر از زبان چینی با زبان دانسته روبه‌رو نشده بود! ما هم پیشنهاد دادیم حالا که هفت تا زبان یاد گرفته، فارسی را هم به آن‌ها اضافه کند.